



کشف مهر کاتولیکوس بابوی؟

کریستل ژولین^۱، مصطفی اختصاصی^۲، امیر خانمرادی^۳، احسان خونساری نژاد^۴

۱ مرکز مطالعات جهان ایرانی، ویلز و نیف، فرانسه.

۲ پژوهشگر مستقل.

۳ باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

۴ باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران. نویسنده مسئول: ehkh70@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله:

تاریخ‌ها:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱

واژگان کلیدی:

مهر

بابوی

کاتولیکوس

ساسانی

شبان خوب

توجه ویژه پژوهش‌گران به مطالعه مهرهای ساسانی و به تبع آن شناسایی بسیاری از بزرگان این دوره تاریخی، باعث ایجاد درک بهتری از جامعه ساسانی شده است. در این مقاله به بررسی یک مهر از دوره ساسانی خواهیم پرداخت که بنا بر کتیبه سریانی حک شده بر آن، متعلق به فردی به نام «بابوی» است. در دوره ساسانی تعدادی از رهبران کلیسای شرق با نام بابی و بابوی معرفی شده‌اند که در سلسله مراتب کلیسا جایگاه‌های مختلفی از کاتولیکوس تا کشیش را در مناطق مختلف شاهنشاهی ساسانی برعهده داشته‌اند. برای شناسایی دقیق این فرد، تاریخ‌گذاری اثر، بستر تاریخی نقش‌مایه و همچنین کتیبه آن، مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. با توجه به نتایج این پژوهش، نزدیک‌ترین شخصیتی که ما می‌توانیم این مهر را متعلق به وی بدانیم، «بابوی» کاتولیکوس سلوکیه - تیسفون است که از حدود ۴۵۷ تا ۴۸۴ میلادی رهبری جامعه مسیحیان شرق را همزمان با سلطنت هرمزد سوم و پیروز برعهده داشته است. بر اساس تاریخ‌نگاری‌ها و قدیس‌نگاری‌های سریانی و مسیحیان عرب، بابوی به عللی چون دسیسه‌های برخی از بزرگان کلیسای شرق، وفاداری مورد تردید، برگزاری مراسم حساسیت برانگیز و ارسال نامه برای زنون که ممه‌ور به مهر شخصی وی بود، اعدام شده است.

* استناد: ژولین، کریستل، اختصاصی، مصطفی، خانمرادی، امیر، خونساری نژاد، احسان (۱۴۰۴). کشف مهر کاتولیکوس بابوی؟. پیام باستان‌شناسی، ۱۷ (۳۲)، ۱-۱۸.

مقدمه

توجه ویژه پژوهشگران به مهرهای ساسانی و خوانش کتیبه‌های آن‌ها، به دانش ما در شناسایی مقامات و افراد عالی‌رتبه سیاسی، مذهبی، نظامی (نک. Gignoux, 1978, 1980a, 1980b; Gignoux and Gyselen, 1981, 1982 and 1987; Gyselen, 1993, 1995, 1997, 2001, 2002, 2008; Lerner and Skjærvø, 2006) و حتی جغرافیای اداری این دوره به شکل چشمگیری افزود (Gyselen, 1989, 2019).^۱ به لطف همین شواهد مهرشناسی است که امروزه اطلاعات نسبتاً قابل اتکایی از مقامات رسمی شاهنشاهی ساسانی در اختیار ما قرار گرفته است. علاوه بر این، پژوهشگران شواهد مهرشناسی جالب توجهی از مهرهای مرتبط با جوامع مذهبی و اقلیت‌های دینی همچون یهودیان و مسیحیان را ارائه کرده‌اند (Lerner, 1977; Shaked, 1977; Gyselen, 2006; Friedenberg, 2009) که در گسترده شاهنشاهی ساسانی حضور مؤثری داشته‌اند. با اینکه منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناسی، اطلاعات ذی‌قیمتی در مورد این اقلیت‌ها و نحوه زندگی آن‌ها در پهنه قلمرو ساسانی را ارائه کرده‌اند، اما تاکنون تعداد بسیار محدودی از مهرهای متعلق به شخصیت‌های مهم تاریخی مرتبط با این اقلیت‌ها کشف شده است. با توجه به اهمیت این موضوع، در این مقاله به توصیف و مطالعه یک مهر خاص از دوره ساسانی خواهیم پرداخت که در یک حراجی عرضه شده و براساس متن کتیبه حک شده روی آن، به شخصی به نام بابوی تعلق دارد. بابوی، نامی آشنا در منابع مکتوب مسیحی و همچنین نام برخی از رهبران کلیسای شرق و اسقف‌های مسیحی در دوره ساسانی است.

روش پژوهش

در گام نخست، نگارندگان پس از بررسی تصاویر و اطلاعات مهر ارائه شده در مجموعه کریستی، اقدام به خوانش اولیه کتیبه حک شده بر روی مهر کردند. به منظور اطمینان از صحت و دقت این خوانش، متن کتیبه به سه پژوهشگر متخصص در این حوزه مطالعاتی (فیلیپ ژینیو، فلورانس ژولین و کلودیا چانکالینی) ارجاع دادند. پس از دریافت نتایج خوانش کتیبه از هر سه پژوهشگر با مقایسه و تطبیق نتایج، خوانش سریانی کتیبه تأیید شده و نام صاحب‌مهر و سمت کلیسایی وی مشخص گردید. در مرحله بعد، نگارندگان با کاربرست شیوه کتابخانه‌ای به شناسایی صاحب اثرمهر در مجموعه احکام شورایی و متون متعارف کلیسایی، رویدادنامه‌ها و قدیس‌نگاری‌ها پرداخته و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی - تطبیقی اقدام به تفسیر نقش مایه و ارائه تاریخ‌گذاری برای این مهر کرده‌اند.

توصیف مهر و نقش مایه آن

در تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۰۵ و در جریان حراجی زنده شماره ۱۵۸۳ کریستی، یک اثر مهم با شماره ۲۶ به حراج گذاشته شد.^۳ این اثر، متعلق به یک مجموعه خصوصی آمریکایی بوده که آن را در دهه ۱۹۸۰ میلادی خریداری کرده و در سال ۲۰۰۵ آن را برای فروش به حراجی کریستی عرضه کرده است. نگین این اثر که به سده پنجم میلادی تاریخ‌گذاری شده، ۱/۸ سانتی‌متر ارتفاع دارد و از جنس عقیق رگه‌دار است. این نگین بعدها بر روی یک حلقه طلا نشانده شده است.^۴ صحنه تصویر شده بر روی مهر نشان دهنده مردی بدون ریش است که با دو دست خود پاهای کوچی را نگه داشته و در حال حمل آن بر روی شانه‌های خود است. صورت او به شکل نیم‌رخ حکاکی شده و به چپ می‌نگرد، اما بدنش از رو به رو تصویر شده است. او تونیک

^۱ این مقاله نسخه فارسی جستار The seal of the Catholicos Bābōy discovered? (Fifth century Iran) Reflets d'époques sassanide et [Res Orientales XXX] نامی آشنا در منابع مکتوب مسیحی و همچنین نام برخی از رهبران کلیسای شرق و اسقف‌های مسیحی در دوره ساسانی است. post-sassanide (224-760 AD) توسط نگارندگان در سال ۲۰۲۲ میلادی منتشر شده است.

^۲ bishop

^۳ christies.com/en/auction/ancientjewelry-19613/

(Accessed, Jan 13, 2022).

^۴ christies.com/lot/lot4617088?ldp_breadcrumb=back&intObjectID=4617088&from=salessummary&lid=1

(Accessed, Jan 13, 2022).



شکل ۲: طرح خطی از مردان در حال حمل قربانی به دست آمده از (a) کارکمیش و (b/c) تپه زنجیرلی (Klauser, 1958: 28). با تشکر از سابرینا تاتس^{۱۱}، موسسه فرانتس یوزف دولگر^{۱۲}



شکل ۳: هرمس حامل قوچ که به شماره ۵۴ در موزه باستان‌شناسی آتن^{۱۳} نگهداری می‌شود (Stroszeck, 2004: 231). با تشکر از پروفیسور باربرو سانتیلو فریتسل^{۱۴}



شکل ۴: نیم‌تنه هرمس حامل قوچ شماره ۶۸۶ موزه باستان‌شناسی کورینت^{۱۵}

(commons.wikimedia.org/wiki/File:)

Hermes_the_Ram_Bearer,_Roman

(_period,_AM_of_Corinth,_202812.jpg

بلندی به تن دارد که در قسمت بالای زانو چین دار است و با کمربندی بسته شده است. دست‌ها و پاهای مرد پوشیده نیست. روی نگین کتیبه‌ای به زبان سریانی وجود دارد (شکل ۱).



شکل ۱: نقش شبان خوب بر روی مهر حراج شده در مجموعه کریستی با کتیبه سریانی (www.christies.com)

نقش مردی که حیوان قربانی را بر روی شانه‌های خود حمل می‌کند، نقش‌مایه‌ای شناخته شده است. کهن‌ترین نمونه‌های شناخته شده از این نقش‌مایه را می‌توان بر روی نگارنده‌های هیتی در تپه زنجیرلی^۵ و کارکمیش^۶ یافت (Klauser, 1958: 27-28). پس از آن، این نقش‌مایه در هنر یونان به عنوان نمادی برای نمایش هرمس^۷ کریوفوروس^۸ (حامل بره/میش) یا موسکوفوروس^۹ (حامل گوساله) مورد استفاده قرار گرفت. این سبک از شمایل‌نگاری در دوران کهن یونان (۴۸۰-۵۵۰ پ.م) و در قالب تندیسک‌های مفرغی، پیکرک‌های سفالی و مجسمه رواج یافت (Westenholz, 2000: 84-86). پس از این که کالامیس^{۱۰} هرمسی که قوچ بر روی شانه‌های خود حمل می‌کرد را خلق کرد، این سبک هنری مبدل به یکی از محبوب‌ترین سوژه‌ها نزد پیکرتراشان یونانی شد (Klauser, 1958: 29-30). این نقش‌مایه توسط رومیان نیز مورد استفاده قرار گرفت و آن‌ها مجسمه‌های کریوفوروس را بازتولید کردند (Fullerton, 1990: 165-167, 169-170) (شکل ۴).

⁵ Zincirli Höyük

⁶ Karkemish

⁷ Hermes

⁸ Kriophoros

⁹ Moschophoros

¹⁰ Calamis

^{۱۱} Sabrina Tatz

^{۱۲} Franz Joseph Dölger-Institut

^{۱۳} Archaeological Museum of Athens

^{۱۴} Barbro Santillo Frizell

^{۱۵} Archaeological Museum of Ancient Corinth

در گوردخمه‌های ویا لاتینا^{۱۹}، دُمیتیلان^{۲۰}، پرسیلا^{۲۱} و کالیستوس^{۲۲} مشاهده کرد (Westenholz, 2000: 84-85; Marchioni, 2018: 42, 46-47, 57, 65, 80, 85, 90-91, 100, 110, 114, 122) (شکل‌های ۵ و ۶).



شکل ۷: نقش شبان‌خوب بر روی یک مهر ساسانی در مجموعه‌ای خصوصی (با تشکر از ریکا گیزلن)
(Gignoux and Gyselen 1982: No. 13.2/4.6)



شکل ۸: نقش شبان‌خوب بر روی یک مهر ساسانی در مجموعه‌ای نیری (با تشکر از دکتر جبرائیل نوکنده. موزه ملی ایران، شماره ۵۷۴۰)

در برخی از مهرهایی که مربوط به دوره ساسانیان است نیز شمایل‌نگاری مشابه به شبان‌خوب مشاهده شده است. یکی از این مهرها در یک مجموعه خصوصی قرار دارد و اطلاعات مربوط به آن در سال ۱۹۸۲ توسط گیزلن^{۲۳} و ژینیو^{۲۴} منتشر شده است (Gignoux and Gyselen, 1982: 13.2, 4.6; Gyselen, 2006: 66-67, No.



شکل ۵: نقاشی سقفی گوردخمه کالیستوس (سده سوم م)
commons.wikimedia.org/wiki/File: ()
(Good_shepherd_02b.jpg)



شکل ۶: نقاشی سقفی در گوردخمه پرسیلا در شهر ژم (سده سوم م)
commons.wikimedia.org/wiki/File: ()
(Good_shepherd_01_small.jpg)

از اواخر سده سوم میلادی و با افزایش نسبی مسیحیان در قلمرو امپراتوری روم و شاهنشاهی ساسانی، شاهد حضور این نقش‌مایه در هنر آغازین مسیحی هستیم که به طور مشخص در ادبیات مسیحی با نام شبان‌خوب^{۱۶} شناخته می‌شود. نقش شبان‌خوب در این دوران بیشتر بر روی پیه‌سوزهای سفالی و همچنین در بافت‌های مربوط به مراسم تدفین ظاهر می‌شود. نمونه‌هایی از این نوع تصویرنگاری را می‌توان در موزایک‌های گورستان زیر محوطه سنت‌پیترو^{۱۷}، در نقاشی‌های دیواری مقبره اورلی^{۱۸}،

¹⁹ Via Latina

²⁰ Domitilla

²¹ Priscilla

²² Callistus

²³ Rika Gyselen

²⁴ Philippe Gignoux

¹⁶ Good Shepherd

¹⁷ St. Peter's Basilica

¹⁸ Tomb of the Aurelii

کتیبه مهر

خوانش کتیبه مهر چندان آسان نیست، زیرا برخی از حروف شکل واضحی به خود نگرفته‌اند. در سمت چپ اثر مهر، دو حرف اول به وضوح سریانی است. اگر فرض کنیم که بخاطر عدم فرم‌دهی مطلوب حکاک به حروف، *w* - کاملاً شکل نگرفته باشد و *y* - عمودی باشد، مسئله یادشده برای دو حرف بعدی نیز می‌تواند صدق کند: یعنی *bbwy*، یا همان بابوی^{۳۲} باشد. خوانش حروف سمت راست اندکی دشوارتر است. محتمل‌ترین فرض سریانی بودن حروف یعنی *rkʿ* است که در لغت به معنای «رهبر/مافوق/رئیس» است (از این کلمه معمولاً برای اشاره به یک سمت مهم در سلسله مراتب کلیساهای سریانی استفاده می‌شود) و *n'*، «من» است، حتی اگر 'اول دارای یک لیگاتور در سمت چپ باشد. لازم به ذکر است که مسائل یادشده می‌تواند ناشی از خام‌دستی یک کاتب غیرمسیحی باشد.^{۳۳} بی‌شک ما در سمت چپ نامی خاص به زبان سریانی داریم که نام مالک است و شاید عنوان او در سمت راست آمده باشد. در مجموع، خوانش پیشنهادی نگارندگان برای کتیبه این مهر، چنین است:

سمت چپ: *bbwy* (سریانی): در سمت راست: *rkʿ n'* (سریانی): ترجمه: «من بابوی، (من هستم) رهبر/رئیس».

^{۳۲} Bābōy

^{۳۳} نگارندگان از کلودیا چانکالینی و فیلیپ ژینیو که خوانش ما را تأیید کردند (مکاتبه شخصی ک. ژ. قدردانی می‌کنند. ژینیو ابتدا ایدوگرام پهلوی *SPYR* (*weh*) به معنی «خوب» را برای حروف سمت چپ پیشنهاد داده بود. این صفت می‌توانست به تصویر شبان‌خوب که روی مهر حک شده اشاره داشته باشد؛ اما به دلیل از قلم افتادن حرف پس از *P* - پارسی‌میانه و عدم اتصال *-k* مفروض به حروف دیگر، این خوانش را نامطمئن دانست. علاوه بر این، مهرهای دارای کتیبه دو زبانه سریانی/پهلوی، بسیار نادر هستند. یک نمونه مهر دو زبانه به شماره Inv. 120260 در موزه بریتانیا قرار دارد که به سده چهارم تاریخ‌گذاری شده و برای یک مسیحی ساخته شده بوده است (Bivar 1969, NA 1; Gignoux 1977). شاید نخستین پژوهشگری بود که کتیبه سریانی این مهر را تشخیص داد (نک: Gignoux, 1980a: 312, No. III/8; Gyselen, 2006: 43, No. 9 britishmuseum.org/collection/object/W_1967-0220-571

(110).^{۲۵} این مهر دارای کتیبه‌ای پهلوی است: *š)hyn* (شکل *pn'hy yzd'n*^{۲۶} به معنی «شاهین، پناه بر ایزدان» (شکل ۷)؛ که با وجود حضور نشانه جمع در علائم حک شده، مسیحی قلمداد شده است. بنا به استدلال گیزلن، وجود نشانه جمع احتمالاً ناشی خطای حکاک است؛ یعنی *t* - پایانی *yzdt* مفرد، باید *yn* - خوانده شود. مهری دیگر متعلق به مجموعه نیری (موزه ملی ایران، شماره ۵۷۴۰) است و دارای کتیبه‌ای مبهم به خط پارسی میانه است^{۲۷} (شکل ۸). بنابراین با شناسایی مهر مجموعه کریستی، تاکنون سه مورد نقش شبان‌خوب در حوزه مطالعات مهرشناسی ساسانی شناسایی شده است.^{۲۸} محبوبیت چنین نقش‌مایه‌ای در هنر اولیه مسیحی با آیه‌ای از انجیل یوحنا^{۲۹} (۱۰، ۱۱) ارتباط دارد که در آن عیسی مسیح خود را «شبان‌خوب» معرفی می‌کند؛ چنین تمثیلی را می‌توان در برخی دیگر از قصص مسیحی نیز یافت.^{۳۰} این توصیفات تمثیلی در ادبیات کتب مقدس که عیسی را در قالب «شبان اعظم»^{۳۱} نشان می‌دهد، به رهبری مؤمنان توسط پیشوای مسیحیت اشاره دارد.

^{۲۵} به نظر می‌رسد که بر روی این مهر، شرایط خاصی به‌وجود آمده و از فرمول «پناه بر خدایان» به جای فرمول «پناه بر خدا» استفاده شده است. چنین فرمولی را می‌توان در قالب وجود نوعی آشفتگی در علامت‌نگاری توضیح داد؛ در واقع حرف *t* با بی‌دقتی نوشته شده است. بخاطر این خطا در مفرد *yzdt* به معنی «خدا»، می‌تواند مانند *yn* به نظر آید. در این صورت، واژه *yzdt* را می‌توان *yzdyn* خواند (...). می‌توان تصور کرد یک مهرساز بی‌سواد که هم برای زرتشتیان و هم برای مسیحیان مهر می‌ساخته است، احتمالاً *yzd'n* را با *yzdt* اشتباه گرفته باشد. (...) می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که وجود فرمول «پناه بر خدایان»، شاید معیار مطلق برای رد هویت مسیحی صاحب آن نباشد (Gignoux and Gyselen 1982: 29-30).

^{۲۶} *šāhēn panāh yazdān*

^{۲۷} مکاتبه شخصی با ریکا گیزلن (م. ا.).

^{۲۸} برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد دو مهر یاد شده نک Khanmoradi et al. 2023.

^{۲۹} قس. مزامیر ۲۳ (۲۲)، ۱.

^{۳۰} حکایت گوسفند گمشده در لوقا ۱۵، ۷-۴ که نمونه مشابه آن در متا ۱۸، ۱۲-۱۴ نیز آمده است.

^{۳۱} ۱ پطرس ۵، ۴.

نام بابوی در بافت تاریخی دوره ساسانی

(سلوکیه، زابی^{۴۷}) و ۱ نفر از ماد (Chabot, 1902: 654, 660, 666, 668-669, 677, 682-683, 685; 374: Shavarebi, 2019). در خاستگاه‌شناسی سریانی، شخصیت‌های دیگری به نام بابی به چشم می‌خورد که به‌طور اخص راهب^{۴۸} هستند و بیشتر آن‌ها بنیانگذار صومعه‌ها و رؤسای دینی^{۴۹} در طور عبدین (کوه ایزله)^{۵۰} یا در اطراف حیره بودند. نام تنی چند از اسقف‌ها نیز ثبت شده است، به‌ویژه در مکاتبات کاتولیکوس ایشوع‌یهب سوم^{۵۱} (۶۴۹-۶۵۹ م). الیاس بار شینایا^{۵۲} در رویدادنامه^{۵۳} خود از اسقفی به نام بَبَو/بابو^{۵۴} یاد کرده که در حدود سال ۳۳۸ م جانشین یعقوب اهل نصیبین^{۵۵} شد (Brooks, 1910: 97-98). علاوه‌براین، افراد غیر روحانی نیز این نام را داشتند، همانطور که در باب احکام سینودهای کلیسای سریانی شرقی به آن اشاره شد. در مواد باستان‌شناسی، موریقی^{۵۶} یک بابی را در کتیبه آرامی یک کاسه جادویی شناسایی کرده است (Moriggi, 2014: No. 19). ژینیو و گیزلن نیز چند صاحب مهر که بابی نام داشته‌اند را گزارش کرده‌اند (Gignoux and Gignoux and Gyselen, 1981: 206; Gyselen 1982: 39 (4.3; 4.22); Gignoux, 1986: 54, (No. 176). در احکام شریل^{۵۷}، کاهن اعظم نبو^{۵۸} و بل^{۵۹} در اِدسا^{۶۰} (متوفی ۱۱۷ م)، که در میانه سده چهارم (پس از اولین شورای نیقیه^{۶۱}) نوشته شده است، جزئیات جالبی

نام پاپا/پاپای/بابا/بابای احتمالاً ریشه در پارسی میانه دارد^{۳۴} که در میان یهودیان و مسیحیان خاور نزدیک نیز کاربرد داشته است. علاوه‌براین، این نام هنوز هم در میان جوامع یهودی و سریانی میان‌رودان، سوریه و شامات رایج است (Shavarebi, 2019: 368). در تلمود، به یک آموزای^{۳۵} بابلی به نام خاخام پاپا^{۳۶} (حدود ۳۰۰ - ۳۷۵ م) اشاره شده است (Shavarebi, 2019: 374). نام‌های ثبت شده در ادبیات سینودی^{۳۷} سریانی نشان می‌دهد که این نام در میان مسیحیان هم بسیار محبوب بوده است و به‌طور مشخص نام برخی از رهبران مذهبی مسیحی را در بر می‌گیرد. در این متون چندین روحانی مسیحی (غالباً عالی‌رتبه) با صورت‌های مختلفی از این اسم نامیده شده‌اند (نک جدول ۱) که شامل: سه کاتولیکوس (جاثلیق) با اسامی پپا بار عگای^{۳۸} (متوفی ۳۴۱ م)، بابوی (حدود ۴۵۷-۴۸۴) و بابی پسر هرمزد^{۳۹} (۴۹۷-۵۰۳/۵۰۲ م) می‌شود. در منابعی که در اختیار ماست، از ۸ اسقف، ۴ کشیش، ۱ راهب بزرگ^{۴۰} و چند فرد غیرروحانی^{۴۱} در دوره ساسانی یاد شده است: ۶ نفر از بیت - هوزایه^{۴۲} (شامل ولایت بیت - مهرکایی^{۴۳}/مهرگان - گدگ^{۴۴})، ۲ نفر از بیت - گرمایه^{۴۵}، ۲ نفر از بیت - ارمایه^{۴۶}

^{۳۴} ژینیو بر این عقیده است که این نام صورت مصغر شده‌ای از نام خاص باب (*Bāb*)، مضاعف پاپا (*Pāb*) است (Gignoux, 1986: 53, No. 169; Gignoux, Jullien & Jullien: 2009: 46, (No. 78a).

^{۳۵} Amora

^{۳۶} Rabbi Papa

^{۳۷} synodical literature

^{۳۸} Papā Bar Aggai

^{۳۹} Bābiy son of Ohrmazd

^{۴۰} abbot

^{۴۱} layman

^{۴۲} Bēth-Huzāyē

^{۴۳} Bēth-Mihraqāyē

^{۴۴} Mihragān-kadag

^{۴۵} Bēth-Garmai

^{۴۶} Bēth-Aramāyē

^{۴۷} Zābē

^{۴۸} monk

^{۴۹} ryš dayr

^{۵۰} Tūr 'Abdīn (Mount Izla)

^{۵۱} IŠO' yahb III

^{۵۲} Eliya Bar Šinaya

^{۵۳} Chronography

^{۵۴} bbw(y), Babū/Bābō

^{۵۵} Jacob of Nisibis

^{۵۶} Marco Moriggi

^{۵۷} Acts of Šarbil

^{۵۸} Nebo

^{۵۹} Bel

^{۶۰} Edessa

^{۶۱} the First Council of Nicaea

ثبت شده است؛ نام یک زن (خواهر شرییل) بابی (*bby*) بوده است (Cureton, 1864 : *mh.1*).

جدول ۱: فهرست اشخاص دارنده نام پیا، پپی، ببو / بابو، ببی / بابی، ببوای / بابوی

در خلال سده سوم میلادی تا میانه قرن هفتم میلادی

نام سریانی / پارسی میانه	مقام	شهر / ناحیه	تاریخ (م)
بَبو (<i>bbw</i>) / بابو ۶۲	اسقف	نصیبین	پس از ۳۳۸
پِپا (<i>pp</i>) ^{۶۳}	کاتولیکوس	سلوکیه-تیسفون	متوفی ۳۴۱
بَبی (<i>bby</i>) / بابی، خواهر شرییل شهید ^{۶۴}	زن غیر روحانی ^{۶۵}	ادسا	میانه سده ۴
پِپا (<i>pp</i>)، برادر اسقف عبدا اهل اهرمزد-اردشیر ^{۶۶}	معاون شماس ^{۶۷}	فارس	۴۲۰
بَبوای (<i>bbwy, b bwyh</i>) / بابوی ^{۶۸}	کاتولیکوس	سلوکیه-تیسفون	حدود ۴۵۷-۴۸۴
پِپا (<i>pp</i>) ^{۶۹}	اسقف	ماحوزی در آریوان ^{۷۰} (در بیت-گرمه)	۴۸۶
پِپا (<i>pp</i>) ^{۷۱}	اسقف	بیت-لاپاط ^{۷۲} (گندی شاپور)	۴۸۶
پِپی (<i>ppy</i>) ^{۷۳}	اسقف	شوش	۴۹۷
بَبی (<i>bby</i>) / بابی ^{۷۴}	اسقف	ماد	۴۹۷
بَبی (<i>bby</i>) / بابی ^{۷۵}	کاتولیکوس	سلوکیه-تیسفون	۴۹۷-۵۰۲/۵۰۳
بَبی (<i>bby</i>) / بابی، پسر ماه-آنوش ^{۷۶}	غیر روحانی	بین بیت-آرامیه و بیت-هوزایی	زمانی میان سده ۵ - سده ۷
بَبوای (<i>bbwy</i>) / بابوی، پسر عدا ^{۷۷}	غیر روحانی	أهرمزد-اردشیر	۵۴۴
بَبی (<i>bby</i>) / بابی، پدر آبراهام ^{۷۸}	غیر روحانی	شوشتر	۵۴۴
بَبی (<i>bby</i>) / بابی ^{۷۹}	کشیش	سلوکیه (وه-اردشیر)	۵۴۴

^{۶۲} او در حدود ۳۳۸ جانشین یعقوب اهل نصیبین شد (Eliya bar Šinaya, *Chronography*, ed. syr. Brooks, 1910 : 97-98).

^{۶۳} *Synodicon orientale*, ed. Chabot, 1902 : 289-291, 296, syr. 46-47, p. 51.

^{۶۴} *Acts of Šarbil*, ed. Cureton, 1864 : *mh.1*.

^{۶۵} Laywoman

^{۶۶} 'Abdā from Ohrmazd-Ardašīr. Bedjan, 1894 : AMS IV, 250, 253.

^{۶۷} subdeacon

^{۶۸} Chabot, 1902 : 532, 534, syr. 526, 528; 'Amr ibn Mattā, *Kitāb al-mağdal*, ed. Gismondi, 1899 : 36-37; Šalībā, ed. Gismondi, 1897 : 21-22; Bar Hebraeus, *EC*, ed. Abbeloos and Lamy 1872 : 60-63, ed. Wilmshurst, 2016 : 326-327. *Book of the Bee*, ed. Budge, 1886, 117, syr. *qlb*. *Chronicle of Seert*, ed. Scher 1911, II/1, 99 [7]-102 [10].

^{۶۹} Chabot, 1902 : 299, 307, syr. 53, 60.

^{۷۰} Maḥozē d-Arēwān

^{۷۱} Chabot, 1902 : 300, 306, 314, syr. 53, 59, 65.

^{۷۲} Bēth-Lapaṭ

^{۷۳} Chabot, 1902 : 311, syr. 63.

^{۷۴} Chabot, 1902 : 310, 311, 316, syr. 62, 67.

^{۷۵} Chabot, 1902 : 310-315, syr. 62-65. 'Amr ibn Mattā, *Kitāb al-mağdal*, ed. Gismondi, 1899 : 40-41; Šalībā, ed. Gismondi, 1897 : 21-22; Bar Hebraeus, *EC*, ed. Abbeloos and Lamy, 1872 : 78-81, ed. Wilmshurst, 2016 : 332-333; *Book of the Bee*, ed. Budge, 1886 : 117, syr. *qlb*. *Onithā on the East-Syrian catholicoi*, ed. Assemani, 1721 : 389 n. II.

^{۷۶} Māh-Anōš. این نام بر روی یک کاسه جادویی آمده است (Moriggi, 2014 : No. 19). همانطور که موريجی خاطرنشان کرده، استفاده از کاسه‌های جادویی کمابیش در آغاز دوران اسلامی متوقف شد.

^{۷۷} 'Ada. Chabot, 1902 : 332, syr. 80.

^{۷۸} Chabot, 1902 : 332, syr. 80.

^{۷۹} Chabot, 1902 : 328, syr. 76.

۵۴۴	بیث-لاپاط	غیر روحانی	بَبی (bby) / بابی، پسر پوسی ^{۸۰}
۵۴۴	کلیسای بیث-مار آبراهام ^{۸۲}	کشیش	پَپا (pp) ^{۸۱}
حدود ۵۵۱-۶۲۸	صومعه بزرگ کوه ایزله ^{۸۴}	راهب بزرگ	بَبی (bby) / بابی کبیر ^{۸۳}
حدود ۵۶۰-۶۳۰	نصبین، کوه ایزله	راهب	بَبی (bby) / بابی کوچک‌اندام، از مریدان آبراهام اهل کاشکار ^{۸۵}
۵۷۶	بورزین ^{۸۷} (احتمالاً در شمال بیت گارمه)	اسقف	بَبی (bby) / بابی ^{۸۶}
۵۷۶	زایی (بین سلوکیه و کاشکار در کنار دجله)	اسقف	بَبی (bby) / بابی ^{۸۸}
۵۷۶ و ۵۸۵	بیث-مهرکایی / مهرگان‌گدگ	اسقف	پَپا (pp) ^{۸۹}
سده ۶	نصبین	غیر روحانی، استاندار ^{۹۱}	بَبی (bby) / بابی، پدر گویورگوئیس شهید ^{۹۰}
سده ۶	نینوا	اسقف	بَبی (bby) / بابی ارمنی ^{۹۲}
حدود ۶۰۰	صومعه بیث-حالی ^{۹۴} در نزدیکی حیره	راهب	بَبی (bby) / بابی کاتب ^{۹۳}
حدود ۶۰۰	صومعه بزرگ کوه ایزله	راهب	بَبی (bby) / بابی، پسر یونان ^{۹۵}
حدود ۶۴۰	نامعلوم	اسقف	بَبی (bby) / بابی ^{۹۶}
حدود ۶۵۰	بیث-حالی نزدیک حیره	راهب	بَبی (bby) / بابی پارسی ^{۹۷}
زمانی میان سده ۳- سده ۷	شاهنشاهی ساسانی	غیر روحانی	بَبی / بابی (bpydy)، صاحبان مهرها ^{۹۸}

⁸⁰ Pusiyy. Chabot, 1902: 331, syr. 79.

⁸¹ Chabot, 1902: 331, syr. 79.

⁸² church of Bēth-Mar Abraham. Chabot, 1902: 331, syr. 79.

⁸³ برای مثال نک، *Martyrdom of Guiwarguis*, ed. syr. Bedjan, 1895², 416, 570. Iṣḏō'yahb III; *Correspondence*, ed. Duval, 1904/1905: 100, syr. 133; *Martyrdom of Yazdōy*, ed. syr. Bedjan, 1894: AMS IV, 201; *Libre de unione*, ed. Vaschalde, 1915; *Book of the founders*, ed. Chabot, 1896: 22, syr. 25, § 39; *The Book of Governors*, ed. Budge, 1893: I, 26ss; II, 46ss; *Chronicon anonymum*, ed. Guidi, 1903: 21-*Chronicle of Seert*, ed. Scher, 1919: II/2, 530 قس 23, syr. 24-25; *History of Babai of Nisibis*, ed. Nau, 1918/1919: 169, syr. 163. [210]-532 [212].

⁸⁴ Great Monastery on Mount Izla

⁸⁵ Abraham of Kaškar. او در اوایل سده ۷ صومعه‌ای در کوه ایزله بنا نمود. برای مثال، نک *Book of the founders*, ed. Chabot, 1896: 11, § 17; *Chronicon anonymum*, ed. Guidi, 1903: 22-24, 28; *History of Babai of Nisibis*, ed. Nau, 1918/1919: 171-172, syr. 166-168.

⁸⁶ Chabot, 1902: 387, syr. 128.

⁸⁷ Būrzēn

⁸⁸ Chabot, 1902: 368, syr. 110.

⁸⁹ Chabot, 1902: 387, 423, syr. 110, 165.

⁹⁰ *Martyrdom of Guiwarguis*, syr. Bedjan 1895²: 435.

⁹¹ Ōstāndār

⁹² Michael the Syrian, *Chronicle*, ed. and transl. Chabot, 1899/1904: syr. p. 494a.

⁹³ *Book of the founders*, ed. Chabot, 1896: syr. 24, 42, 44; *Vita of Mar Awgīn*, ed. syr. Bedjan, 1892: AMS III, 473.

⁹⁴ Monastery of Bēth-Ḥalē

⁹⁵ Yonān. Iṣḏō'yahb III (649-659), *Correspondence*, ed. Duval, 1904/1905: 25, syr. 27.

⁹⁶ Iṣḏō'yahb III, *Correspondence*, ed. Duval, 1904/1905: 120, syr. 162.

⁹⁷ او جانشین ربان خوداهوی (Rabban Xvadhōy) بود (Book of the founders, ed. Chabot, 1896: 47-48).

⁹⁸ Gignoux and Gyselen, 1982: 39 (4.3; 4.22); Gignoux, 1986: 54, No. 176; Gignoux and Gyselen: 1981: 206.

(Young, 1972: 86). در تاریخ کرخا بیت - سلوک^{۱۰۴} نیز آمده است که بابوی یادواره شهدای کرخا^{۱۰۵} (کرکوک امروزی) که در جریان آزار و اذیت یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷ م) درگذشتند را به صورت سالانه برگزار می کرد. پر واضح است که دربار پیروز این اقدامات بابوی را در راستای سازش با حکومت تعبیر نمی کرد! (Bedjan, 1891: AMS II, 531: 39-40; Gerö, 1981).

اقتدار بابوی در میان روحانیون تحت سرپرستی وی (به ویژه به تحریک بارصوما^{۱۰۶} مطران^{۱۰۷} نصیبین که از مخالفان اصلی بابوی و احتمالاً مورد اعتماد پیروز بود) نیز مورد مناقشه قرار گرفت. همان طور که گرو^{۱۰۸} در رویدادنامه کلیسایی^{۱۰۹} بار هبرائوس و کتاب المجدل^{۱۱۰} بخش های مربوط به این مسئله را مشخص کرده است (Abbeloos and Lamy, 1872: III, 61-65; Wilmshurst 2016, 35-37; Gismondi, 1899: 326-327; قس 17-19; Gismondi 1897, p. 17-19). این اختلافات و دعاوی باعث ایجاد جناح بندی های درون کلیسایی شد؛ بابوی از اصلاحات پیشنهادی بارصوما گلایه مند بود و سعی در تقابل با هتاک های، استقرار اصول اخلاقی کلیسایی و تحکیم مجدد نفوذ روحانیت و مقام کاتولیکوس داشت (Chabot, 1902: 302-306, syr. 55-56, 312, syr. 63; قس 126-132; Brock, 1985). تمرکز بر دفاع از نهاد کاتولیکوسی^{۱۱۱} در ادوار بعد نویسندگان میافیزیت^{۱۱۲} را بر آن داشت تا نقش بارصوما را در اصلاحات مدیریت کلیسا کم رنگ کرده و درجات مختلفی از مشارکت در قتل بابوی را به او نسبت دهند (Wood, 2013: 12; 95-99).

با بررسی اسامی یادشده درخواستیم یافت که بابوی/بَبَوای^{۹۹} نسبت به دیگر اشکال این نام کمتر مورد استفاده بوده است. در مورد یکی از این اشخاص که فردی غیر روحانی است و یکی از اوراق سینودی مار آبا^{۱۰۰} در سال ۵۴۴ م را امضا نموده، اطلاعات چندانی در دسترس نیست. اما بابوی دیگر، یک کاتولیکوس و چهره ای شناخته شده در ادبیات سریانی است. بنا به گفته عمر ابن مَتی^{۱۰۱}، بابوی، از اهالی تَلا (بار هبرائوس^{۱۰۲} وی را از اعقاب مُغان معرفی کرده است) و فردی متأهل بوده است (Gismondi, 1899: 36-37; Abbeloos and Lamy, 1872: III, 61, 326-327; Wilmshurst, 2016). بابوی پس از گرویدن به مسیحیت و طی کردن مدارج کلیسایی، احتمالاً پیش از به سلطنت رسیدن پیروز (۴۵۶ یا ۴۵۷) و در دوره زمامداری هرمزد سوم (۴۵۷-۴۵۹ م)، جایگاه کاتولیکوس سلوکیه - تسیفون را بدست آورده بود. منابع تاریخی در مورد سیاست های دینی پیروز متفق القول نیستند و میان پژوهشگران نیز در این مورد اختلاف نظر وجود دارد؛ در رویدادنامه سیرت^{۱۰۳} از آزار و شکنجه مسیحیان در دوره سلطنت پیروز سخن به میان آمده است. علی رغم روابط نه چندان صمیمانه بابوی با دربار پیروز، او عنوان خود را تا آخر حکومت وی حفظ کرد ([9] Scher, 1911: II/1, 101).

با این وجود به نظر می رسد که همواره وفاداری سیاسی او مورد تردید شاهنشاه ساسانی بود. به دلیل تغییر دین او از زرتشتی به مسیحی، سرسپردگی او نیز بسیار مورد شبهه بود و تهدیدی برای شاهنشاه محسوب می شد (Gerö, 1981: 109-109, 38-40); به طوری که حتی در خلال یکی از جنگ های ساسانیان با روم به مدت دو سال زندانی شد

¹⁰⁴ History of Karkā d-Bēth-Slokh

¹⁰⁵ Karkā

¹⁰⁶ Baršauma

¹⁰⁷ metropolitan

¹⁰⁸ Stephen Gerö

¹⁰⁹ Ecclesiastical Chronicle

¹¹⁰ Kitāb al-mağdal

¹¹¹ catholicosate/catholicate

¹¹² miaphysite

^{۹۹} Bābōy/Babowai (bbwy). بار هبرائوس نام وی را به صورت b̄bwyh آورده است (Abbeloos and Lamy 1872: 60-63; Wilmshurst, 2016: 326-327; Chabot, 1898: syr. p. 93).

¹⁰⁰ Mar Abba

¹⁰¹ Amr ibn Mattā

¹⁰² Gregory Bar Hebraeus

¹⁰³ Chronicle of Seert

بنا به گزارش رویدادنامه سیرت و روایت‌نامه شهادت بابوی (S 23)، نامه بابوی با مهر او ممهور شده بود؛ این منابع چگونگی راهزنی یاران بارصوما و اخذ نامه در نصیبین را شرح داده‌اند. در آن نامه، بابوی از آزار و اذیت مسیحیان شاهنشاهی به زنون گلاویه کرده بود و از پیروز و حکومت ساسانی، با صف‌های نه‌چندان محترمانه‌ای یاد کرده بود (Scher, 1911: II/1, 99-102 [7-10]). روایت‌های مشابه نک، Gismondi, 1899: 36-37, 511 ar. به همین دلایل در اواخر سلطنت پیروز، بابوی به خاطر اقداماتش که خیانت تلقی می‌شد اعدام گردید. شاهنشاه دستور داده بود تا او را بیرون از سلوکیه - تیسفون و از همان انگشتی که حلقه شبانی را بر آن داشت و با آن نامه را مهر کرده بود، به دار بیاویزند (Scher, 1911: II/1, 102 [10]). نویسندگان روایت‌نامه شهادت (S 36) (Gismondi, 1899: 36-37)، صلیبا و بار هبرائوس گزارش داده‌اند که او را مصلوب کردند، در حالی که انگشت او میخ‌کوب شده بود (Gismondi, 1897: 18-19; Abbeloos and Lamy 1872, 65-66; Wilmshurst, 2016: 326-327; Paša, 2018: 510, ar. 511).

بحث

همان‌طور که اشاره شد در دوره ساسانی تعدادی از روحانیون کلیسای شرق به ویژه از اواخر سده پنجم تا اوایل سده هفتم میلادی با نام بابوی و بابای معرفی شده‌اند. این افراد در سلسله‌مراتب کلیسا جایگاه‌های مختلفی از کاتولیکوس تا کشیش را در مناطق مختلف شاهنشاهی ساسانی بر عهده داشته‌اند. اسامی، درجات رسمی کلیسایی، عناوین و محل اقامت این افراد عمدتاً از طریق مجموعه احکام شورایی^{۱۲۰} و متون متعارف کلیسایی^{۱۲۱} (نظیر نامه‌ها، قوانین کلیسایی^{۱۲۲}، قوانین عام و غیره) که در سینودیکون

روایت‌نامه سربانی شهادت بابوی^{۱۱۳} و اطلاعیه عربی مندرج در اسفار الاسرار^{۱۱۴} نوشته صلیبا ابن یوحنا الموصلی^{۱۱۵} در سده چهاردهم، چهره‌ای مبهم از بارصوما ارائه داده است. در این متون، او متهم به سوء استفاده از روابط خود با پیروز و مسبب مرگ کاتولیکوس است (BHO 126. syr; Bedjan, 1891: AMS II, 631-634; Paša, 2018: 499-525). بنا به گفته وود^{۱۱۶}، صراحت لهجه این روایت که بابوی را به عنوان یک کاتولیکوس شهید معرفی کرده است، نشان می‌دهد که تنها مرگ او بود که موجبات تقدیس وی را فراهم آورد (Wood, 2013: 95-96, n. 6). قس 36 *the Martyrdom of Babowai (Ṣalībā)*، او در زمره شهدا نوشته شد^{۱۱۷}، Paša, 2018: 514-515; (Gismondi, 1897: 19). بارصوما در نامه‌ای به کاتولیکوس آکاییوس^{۱۱۸} جانشین بابوی، چگونگی معاندت با بابوی از طریق تشکیک یک سینود غیرقانونی و تحت‌تأثیر قرار دادن پادشاه در جهت قتل کاتولیکوس را شرح داده است (Chabot, 1902: 534-535, syr. 527-529). در این مورد نک. 6 (Labourt, 1904: 142-143, n. 6). دیونیسیوس تل‌محری^{۱۱۹} و بار هبرائوس که از نویسندگان میافیزیت به شمار می‌آیند، بارصوما را قاتل بابوی معرفی کرده‌اند (Chabot, 1899-1904: II, 413-417; Abbeloos and Lamy, 1872: III, 73-75, 87; Wilmshurst, 2016: 330-331, 334-335). علاوه بر این موارد یاد شده، بابوی متهم به مکاتبه با زنون^{۱۱۹} امپراتور روم شرقی (۴۷۴-۴۹۱ م) در زمان تشدید تنش در مرزهای غربی شاهنشاهی شده بود (در (S 23) *Martyrdom (Ṣalībā)* سال ۴۸۱ ثبت شده است (Jackson, 2002: 49; Greatrex and Lieu, 2002: 49; Bonner, 2020: 128).

¹¹³ The Syriac Martyrdom of Babowai

¹¹⁴ Asfār al-asrār

¹¹⁵ Ṣalībā ibn Yūḥannā al-Mawṣilī

¹¹⁶ Philip Wood

¹¹⁷ Acacius

¹¹⁸ Dionysius of Tel-Maḥrē

¹¹⁹ Zeno

¹²⁰ conciliar acts

¹²¹ canonical texts

¹²² canons

کشیده شد؛ یعنی به شمایل یک کشیش ریش دار ملبس به کیتون^{۱۲۹} طلایی و یک شل^{۱۳۰} بنفش بر روی شانه، که بر تخت نشسته است و هاله‌ای از نور ماوراء طبیعی بالای سرش قرار دارد (Biernacki and Klenina, 2016: 374-376). به طور خلاصه در هنر مسیحی و در غرب، محبوبیت نقش‌مایه شبان‌خوب از اواخر سده دوم به اوج رسید و در نیمه اول سده پنجم رو به افول گذاشت (Ramsey, 1983: 375; Finney, 1994: 115).

شواهد مهرشناسی نشان می‌دهد که نقش‌مایه شبان‌خوب در دوره اشکانی در هنر ایران شناخته شده بود (Bader, 1996: 399, 455, Fig. 50). این نقش‌مایه احتمالاً با یک وقفه طولانی و شاید اندکی دیرتر از سرزمین‌های رومی در سرزمین‌های تحت حاکمیت شاهنشاهی ساسانی، مجدداً رایج شد. در دنیای سریانی، افرایم سوری^{۱۳۱} (متوفی حدود ۳۷۳ م) یکی از اولین نویسندگانی بود که در باب این نقش‌مایه مطالبی نوشته است، به ویژه در سرودهای خود دربارهٔ میلاد عیسی مسیح^{۱۳۲} (برای مثال Hymn 3:15؛ نک Murray, 1975: 159-204). این نقش‌مایه در مورد نمایندگان عیسی در جوامع مسیحی به کار می‌رفته است؛ به عبارت دیگر همان عملکرد کلی که کاتولیکوس‌ها بر عهده داشتند. برخی از کاتولیکوس‌ها به‌عنوان شبانانی تصویر شده‌اند که از گله‌های خود مراقبت می‌کردند: به‌عنوان مثال، شمعون برصباعی^{۱۳۳} در سده چهارم، که از تحمیل مالیات سنگین بر مسیحیان خودداری کرد و با تعداد کثیری از روحانیون تحت سرپرستی خود به شهادت رسید (سال ۳۴۰ م، در برهه تعقیب مسیحیان در دوره شاپور دوم). در رویدادنامه شهادت او (ابتدای سده پنجم) آمده است: «من [شمعون] بخاطر گله خود برای تو [عیسی] خون می‌دهم» (12 §). شمعون به عنوان «شبان واقعی و رهبر خردمند»^{۱۳۴} که جان برای

اورینتاله^{۱۲۳} در دوره کاتولیکوسی تیموتی اول^{۱۲۴} (۸۲۳-۷۷۹/۷۸۰ م) گردآوری شده، به‌دست آمده است. این‌ها اسامی اسقف‌ها و نمایندگان هر یک از کلیساها (و حوزه جغرافیایی اختیارات آن کلیسا) است که در سینودها حضور داشتند و نتایج آن را تأیید کردند، یا بعداً با مفاد آن توافق نمودند. تمامی این افراد با اضافه کردن مهر و امضای خود این احکام را تأیید می‌کردند. از میان دیگر منابع می‌توان به تاریخ‌نگاری‌هایی نظیر رویدادنامه‌ها و قدیس‌نگاری‌ها^{۱۲۵} (مانند روایت‌نامه‌های شهادت ببوای، گویورگوئیس^{۱۲۶} و یزدوی^{۱۲۷}) اشاره کرد (Bedjan, 1894: AMS IV, 201-207; Jullien and Jullien, 2021: 361-382; Bedjan, 1895²: 416-571). روی‌هم‌رفته، منابع مرتبط با این حوزه مطالعاتی محدود است (Gero, 1981: 1-13) در نتیجه ممکن است که برخی از اسامی روحانیان مسیحی کماکان برای ما ناشناخته مانده باشد.

با توجه به مطالب یادشده، آیا می‌توان تشخیص داد که این مهر متعلق به کدام بابوی است؟ آیا می‌توان این مهر را به بابوی‌های معروفی که نام آنها در منابع دوره ساسانی ثبت شده است، نسبت داد؟

نقش‌مایه جوانی بدون ریش که موسوم به شبان‌خوب است، در هنر آغازین مسیحی در غرب و سرزمین‌های تحت حاکمیت روم به عنوان نمادی از شمایل عیسی مسیح دست‌کم از اواخر سده دوم میلادی مورد توجه نوکیشان مسیحی قرار گرفت (Finney, 1994: 115-116)، اما در روم، تنها اندکی پس از سده پنجم، تغییرات قابل‌توجهی در شمایل‌نگاری عیسی صورت گرفت. در این دوران، نقش شبان‌خوب ساده‌زیست، به‌تدریج دستخوش تغییراتی شد و در نهایت به شیوه‌ای مشابه با التزام به رعایت اصول نمایشی فاخر^{۱۲۸} در تصویرنگاری‌های امپراتور روم به تصویر

¹²³ Synodicon Orientale

¹²⁴ Timothy I

¹²⁵ Hagiographies

¹²⁶ Martyrdom of Guiwarguis

¹²⁷ Martyrdom of Yazdōy

¹²⁸ decorum

¹²⁹ chiton

¹³⁰ mantle

¹³¹ Ephrem the Syrian

¹³² Hymns on the Nativity

¹³³ Simeon Bar Šabba'e

87-92; McDonough, 2011: 303-305; Payne, 2015). این پیمان ضمنی به معنای ممنوعیت هرگونه مخالفت با اقتدار شاه و همچنین مداخله نخبگان ساسانی در تشکیلات کلیسای ایران بود. پادشاه مسئولیت «بهبود» — یعنی تأیید صلاحیت — هر پاتریارک^{۱۴۰} منتخب را بر عهده داشت و می‌توانست کاندیدای مورد نظر خود را — حتی در برابر کاندیدای کلیسای ایران — منصوب کند، همان‌طور که در موارد متعددی پادشاه پزشکان مسیحی خود را با تفویض این مقام به آنان اعطاء نمود.^{۱۴۱} علاوه‌براین، به نظر نمی‌رسد که هر شخصی، در هر مقام کلیسایی که باشد، بتواند از عنوان رهبر، سرور یا رئیس (نک خوانش علائم سریانی حک شده بر مهر حراجی کریستی) استفاده کند، مگر اینکه این عنوان به او تفویض شده باشد (قس Young, 1972: 49, 81-88).

مسیحیت در ۴۱۰ م توسط حکومت ساسانی به رسمیت شناخته شد و پس از برگزاری سینودی متشکل از اسقف‌های سراسر شاهنشاهی، مسیحیت ایران دارای ساختار و سلسله مراتب کلیسایی مشخصی گردید. یزدگرد اول پیش از آغاز سینود، طی حکمی حکومتی اجازه برگزاری سینود را صادر نمود (Chabot, 1902: 256, syr. 19 and n. 3; Young, 1972: 43-57, 69-73). با این

گله خود می‌دهد»، و بره‌های خود را دوست دارد و غیره ستایش شده است (9 §) (Smith, 2014: 24, syr. 25;) (20, syr. 21).

در سینودهای سده ششم کلیسای شرق، اسقف‌ها را «شبانان هوشیار گوسفندان معقول» نامیده‌اند (نک. احکام سینود حزقیال^{۱۳۴} (۵۷۶ م) (Chabot, 1902: 371, syr. 114; 388, syr. 129; 112; 373, syr. 114; 388, syr. 129). اما کاتولیکوس «پدر پدران و شبان‌شبانان» است (برای مثال، سینود سبریشوع^{۱۳۵} در سال ۵۹۶). کلیسا به طور نمادین آغل گوسفندان است (در احکام یوسف^{۱۳۷}، در سال ۵۵۴ م) (Chabot, 1902: 346, syr. 90, 355, syr. 97, 363, syr. 106, 371, syr. 112, 454, 195). در کل نقش شبان‌خوب بیش از آنکه نشانه‌ای از هویت باشد، نمادی احتمالی از یکپارچگی است. علاوه بر معنای مسیحی آن، این نقش مایه معروف که مدت‌ها در بوم‌گاه فرهنگی پاگان‌ها رایج بود، ممکن است به عنوان ابزاری برای فرهنگ‌پذیری مورد استفاده قرار گرفته باشد. چنین اقداماتی، برداشت‌های ما از تعاملات فرهنگی بین این اجتماعات متنوع در داخل شاهنشاهی را صحنه می‌گذارد.

جایگاه ریاست کلیسای سلوکیه - تیسفون صرفاً ناشی از یک قانون داخلی کلیسا نبود و عنوانی حکومتی بوده است (Young, 1972: 44-49).

مک‌دنو^{۱۳۸} و (سپس) پین^{۱۳۹} خاطر نشان کرده‌اند که زرتشتیان قدرتمند می‌توانستند گسترش مسیحیت را در ازای غرامت تحمل کنند. این مسئله در نهایت به حفظ هم‌زیستی و اشتراک فضای زیستی کمک می‌کرد؛ اسقف‌ها به طور ضمنی توافق می‌کردند که برای حفظ نظم داخلی با صاحبان قدرت همکاری کنند (McDonough, 2008b).

¹³⁴ Acts of the synod of Ezekiel

¹³⁵ synod of Sabrišō

¹³⁶ تعبیری که بر اساس فرمول پهلوی «شاه‌شاهان» و «موبدان‌موبد» ساخته شده است (Chabot, 1902: 456, syr. 196).

¹³⁷ Acts of Joseph

¹³⁸ Scott J. McDonough

¹³⁹ Richard Payne

¹⁴⁰ patriarch

¹⁴¹ قس ماجرای ایشیه (Eliša) کاتولیکوس زمان قباد اول که انتخاب او منجر به ایجاد تفرقه در میان مقامات کلیسا در سال‌های ۵۲۴ تا ۵۳۷ م شد؛ همچنین مورد یوسف در دوره خسرو اول و همچنین قضیه انتخاب گریگور اهل کاشکار (Grigor of Kaškar) توسط خسرو دوم. قضیه آخر در حالی صورت گرفت که اسقف‌های کلیسای سریانی شرقی، شدیداً به این انتصاب معترض بودند (Labourt, 1904: 159-162, 222; Jullien, 2009: 119-131; Jullien, 2021: 11-32). مثال دیگر: کنترل کلیسا توسط مقامات مدنی به وضوح در احکام سینود کاتولیکوس بابی (۴۹۷ م) بیان شده است: همه اسقف‌های شاهنشاهی که «به فرمان شاهنشاه جاماسپ» (۴۹۶-۴۹۸ م) برای آنها نامه حکومتی (sqr) فرستاده شده بود، گردهم آمدند و در مورد دستور جلسه (در باره اصلاح در امر ازدواج و فرزندآوری) توجیه شدند (Chabot, 1902: 311-312, syr. 62-63).

مروتا اهل میافارقین^{۱۴۲} نیز مانند سایر اسقف‌ها در احکام کلیسای سریانی شرقی خوانده شده است (Chabot, 1902: 31, syr. 18, 270, syr. 255). بایستی توجه نمود که «*ṛšʿ*» به معنای مطلق آن اساساً عنوانی متدوال برای شخص کاتولیکوس است. در سال ۴۱۰ م، اسحاق به عنوان «مار اسحاق»^{۱۴۳} اسقف سلوکیه و تیسفون و کاتولیکوس (و رئیس اسقفان (*ṛšʿ d- p̄ysqwp*), [...] اولین کسی که به عنوان رئیس (*ṛšʿ*) برای زبردستان خود زبان به سخن گشود»، معرفی شده است (Chabot, 1902: 259, syr. 21, 260, 20). در قانون کلیسایی هفدهم، پاتریارک «پدر و رئیس (*ṛšʿ*)، اسقف و مطران، (و) کاتولیکوس و رئیس اسقف‌ها[ی]» کل کلیسا (Chabot, 1902: 269, syr. 30) و «رئیس (*ṛšʿ*) تمام مسیحیان شرق» قلمداد شده است (Chabot, 1902: 261, syr. 21). در ادبیات سریانی، همین عنوان رسمی، برای موبدان موبد (*ṛšʿ dmgwšʿ*)، رئیس مجوس‌ها به کار رفته است (برای مثال در روایت‌نامه^{۱۴۴} شهادت یزد-پناه^{۱۴۵} (Jullien, 2015: 80, syr. 79)).

ممکن است انتظار رود که مانند مهر بزرگ (وزرگ) کاتولیکوس ناحیه (کوستان) آردان و بلاسگان^{۱۴۶} «ملکیت»^{۱۴۷} بر روی این مهر نیز نماد صلیب دیده شود، اما واضح است که تصویر شبان‌خوب/عیسی‌مسیح نیز همان معنای نماد صلیب، یعنی رستگاری را داراست. در احکام سینودهای کلیسای شرق، کاتولیکوس اغلب در قالب شبان‌خوب با مسیح همسان‌انگاری می‌شود و مفهوم

تفاسیر، استفاده از نقش شبان‌خوب، که احتمالاً در بحبوحه تعقیب مسیحیان در دوره شاپور دوم و در میانه سده چهارم پدیدار شد، باید پس از به رسمیت شناختن مسیحیت در شاهنشاهی ساسانی در سال ۴۱۰ م، و همچنین پس از آن تاریخ، در دوران آزار و اذیت‌های مقطعی در سده‌های پنجم و ششم قوت گرفته باشد.

با ظهور کلیسا در روم، دیگر نیازی به وجود یک شبان نبود که قهرمانانه از گله در برابر تهدیدها دفاع کند (Ramsey, 1983: 377)، اما رسمی شدن مسیحیت و نیاز به پاسداری از جامعه نوپای مسیحی در برابر سیاست-گذاری‌های غالباً قهرآمیز (حتی در دوره زمامداری یزدگرد اول (Boyce, 1979: 121; McDonough, 2008: 129-134; Herman 2014; Payne, 2015: 44-45; Patterson, 2017: 190; Jullien, 2022) در شاهنشاهی ساسانی، احتمالاً موجب ظهور نقش شبان‌خوب شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد، نقش‌مایه مهر مذکور، می‌بایست در بازه زمانی اوایل سده پنجم تا سده ششم تاریخ‌گذاری شود. این تاریخ‌گذاری با ظهور رهبران مذهبی مسیحی که برای آنان نام بابی و بابوی در متون مذهبی مسیحی ثبت شده است، تا حدودی هماهنگ است.

بررسی مهر از لحاظ کتیبه‌شناسی نیز ممکن است در روشن شدن موضوع کمک شایانی نماید. از آنجا که املای اسامی بابو، بابوی و بابی (*bbw|bbwy|bby*) در نگارش سریانی کاملاً متمایز بوده است و همانطور که به وضوح روی مهر آمده است، می‌توانیم مالک را فردی به نام «بابوی» شناسائی کنیم. همچنین استفاده احتمالی از واژه «*ṛšʿ*» به معنی رهبر/سرور/رئیس از سوی دارنده مهر، نشانگر جایگاه ویژه اوست. در سلسله مراتب روحانیت مسیحی، این واژه به شخصی اطلاق می‌شود که دارای مقام والایی است، مانند راهب بزرگ که رئیس یک صومعه است (*ṛšʿ dyt*).

درنتیجه، می‌توان به معنای عام آن یعنی یک «اسقف» که معمولاً سرپرستی حوزه جغرافیایی اختیارات یک کلیسا را بر عهده دارد نیز توجه نمود؛ برای مثال، سفیر و اسقف

¹⁴² Marūtha of Maypherqat

¹⁴³ Mar Ishaq

¹⁴⁴ Martyrdom of Yazd-panāh, § 5

¹⁴⁵ Ardān and Balāsagān

¹⁴⁶ Melkite

اطلاعات این مهر که اکنون در موزه کتابخانه ملی فرانسه (Bibliothèque Nationale de France) به شماره ۱۹۷۲، ۱۳۱۷، ۴۸ قرار دارد، ابتدا توسط ژینیو و گیزلن منتشر شده و سپس به وسیله فی (Jean Maurice Fiey) مورد مطالعه قرار گرفت (Gignoux, 1978: 64; Gignoux, 1980a: 305-306; Kasumova, 1991: 23-32; Gyselen, 1993: 154, Fig. 60.13, 7.5; Fiey, 1995: 6-9). کتیبه روی این اثر به زبان پهلوی است.

(Turkmenistan). In M.-F. Boussac, A. Invernizzi (eds.), *Archives et sceaux du monde hellénistique; Archivi e Sigilli nel Mondo Ellenistico*, (*Bulletin de Correspondance hellénique. Supplément 29*). Torino: Villa Gualino, 395-407.

Bedjan, P. (1890-1897). *Acta Martyrum et Sanctorum syriace I-VII*. In P. Bedjan, (ed.), *AMS*. Paris, Leipzig: Harrassowitz.

Bedjan, P. (1891). *Martyrdom of Babowai*. In P. Bedjan. (ed.), *AMS II*. Paris, Leipzig: Harrassowitz, 631-634.

Bedjan, P. (1892). *Vita of Mar Awgīn*. In P. Bedjan (ed.), *AMS II*. Paris, Leipzig: Harrassowitz, 376-480.

Bedjan, P. (1894). *Martyrdom of Yazdōy*. In P. Bedjan (ed.), *AMS III*. Paris, Leipzig: Harrassowitz, 201-207.

Bedjan, P. (1895²). *Martyrdom of Guiwarguis*. In P. Bedjan (ed.), *History of Mar Jabalaha. de trois autres patriarches, d'un prêtre et de deux laïques, nesotriens*. Paris, Leipzig: Harrassowitz, 416-571.

Biernacki A., Klenina E. (2016). The image of the Good Shepherd in the Early Christian sculpture of Chersonesus. In B. Borisov (ed.), *Studia in honorem professoris Borisi Borisov (Veliko Tarnovo University St. Cyril and St. Methodius and the Bulgarian Archaeology 2)*. Veliko Tarnovo: IVIS, 371-387.

Bivar, A. D. H. (1969). *Catalogue of the Western Asiatic Seals in the British Museum, Stamp Seals, II. The Sassanian Dynasty*. London: The Trustees of the British Museum.

Boyce, M. (1979). *Zoroastrians: Their religious beliefs and practices*. London: Routledge & Kegan Paul Ltd.

Brock, S. P. (1985). The Christology of the Church of the East in the Synods of the Fifth to Early Seventh Centuries: Preliminary Considerations and Materials. In G. Dragas (ed.), *Aksum- Thyateira*:

نمادین این نقش‌مایه در نزد مسیحیان کاملاً شناخته شده بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به شواهد موجود ارائه شده در باب مهر مورد بحث، از نظر تاریخ‌گذاری می‌توان تاریخی حدود اوایل سده پنجم تا میانه سده ششم میلادی را برای آن در نظر گرفت. همچنین از آنجایی که کتیبه به خط سریانی نوشته شده است (یعنی به زبان مردم جامعه مسیحی)، این اثر بی‌شک مسیحی است. محتمل‌ترین گزینه برای تعیین صاحب این مهر می‌تواند «بابوی»، کاتولیکوس سلوکیه - تیسفون باشد که جامعه مسیحی شاهنشاهی ساسانی را از میانه سده پنجم میلادی تا زمان اعدامش در سال ۴۸۴ رهبری کرد. اگر کارکرد این شخصیت تاریخی و نقش اثر مهر او که بر نامه‌ای اتهام برانگیز زده شده بوده است (که یکی از دلایل مرگ او بود) را در نظر بگیریم، شناسایی این مهر را می‌تواند در زمره مکشوفات استثنایی به حساب آورد.

سپاسگزاری

نگارندگان مراتب قدردانی خود را از فلورانس ژولین (Florence Jullien) برای پیشنهادات مفیدش، فیلیپ ژینیو (Philippe Gignoux) و کلودیا چانکالینی (Claudia Ciancaglini) برای توصیه‌های ارزشمندشان و ژلیکو پاشا (Željko Paša) برای به اشتراک گذاشتن برخی منابع اعلام می‌دارند. بدیهی است که مسئولیت هرگونه کاستی از جانب نگارندگان است.

منابع

- Abbeloos, J.-B., Lamy T.-J. (1872). *Gregorii Barhebraei Chronicon ecclesiasticum II*. Louvain.
- Assemani, J. S. (1721). *Onithā on the East-Syrian catholicoi. Bibliotheca orientalis clementino-vaticana, II*. Rome: Typis Scaræ Congregationis de Propaganda Fide.
- Bader, A. (1996). Little Known Materials of Parthian Sphragistics and Epigraphy. Sealing from Old Nisa

125-142.

Brooks, E. W. (1910). Eliya bar Šinaya, Chronography. In E.W. Brooks (ed), *Eliae metropolitae Nisibeni opus chronologicum*, I (CSCO 62*, script. syr. Textus 21). Louvain: Peeters Publishers.

Budge, E. A. W. (1886). *The Book of the Bee. The Syriac Text edited from the manuscripts in London, Oxford, and Munich with an English Translation*. Oxford: The Clarendon Press.

Budge, E. A.W. (1893). *The Book of Governors. The Historia monastica of Thomas bishop of Marga A.D. 840, I-II*. London: Kegan Paul Ltd.

Chabot, J.-B. (1896). Book of the Founders. In J.-B. Chabot (ed.), *Le livre de la chasteté composé par Jê susdenah, évêque de Baçra, (Mélanges de l'École française de Rome 16)*. Rome: École française de Rome.

Chabot, J.-B. (1898). Bar Hebraeus. Une lettre de Bar Hébréus au catholicos Denḥa I^{er}. *Journal asiatique* 11, Series IX, 75-128, syr. 77-102.

Chabot, J.-B. (1899-1904). *Michael the Syrian. Chronique de Michel le Syrien, patriarche jacobite d'Antioche 1166-1199, I-IV*. Paris: Ernest Leroux.

Chabot, J.-B. (1902). *Synodicon orientale ou recueil des synods nestoriens*, (Notices et extraits des manuscrits de la Bibliothèque que Nationale et autres bibliothèques 37). Paris: Imprimerie nationale.

Cureton, W. (1864). *Acts of Šarbil*. In W. Cureton (ed.), *Ancient Syriac Documents*. London: Williams and Norgate.

Duval, R. (1904-1905). *Išō yahb III Patriarcha. Liber epistularum*, (CSCO 11-12, Script. syr. 11-12). Paris, Louvain: Peeters Publishers.

Fiey, J. M. (1995). Le sceau sassanide d'un catholicos melkite d'Asie Centrale. *ProcheOrient chrétien* 45(1-2), 6-9.

A Festschrift for Archbishop Methodios. London, Finney, P. C. (1994). *The invisible God: The earliest Christians on art*. Oxford: Oxford University Press.

Friedenberg, D. (2009). *Sasanian Jewry and Its Culture: A Lexicon of Jewish and Related Seals*. Champaign: University of Illinois Press.

Fullerton, M. D. (1990). *The archaistic style in Roman statuary*. Leiden: Brill.

GerÖ, S. (1981). *Baršaumā of Nisibis and Persian Christianity in the fifth century*, (CSCO 426, Subsidia 63). Louvain: Peeters Publishers.

Gignoux, P. (1978). *Catalogue des sceaux, camées et bulles sassanides de la Bibliothèque que Nationale et du Musée du Louvre. II. Les sceaux et bulles inscrits*. Paris: Bibliothèque que Nationale.

Gignoux, P. (1980a). Sceaux chrétiens d'époque sassanide, *Iranica Antiqua* 15, 299-315.

Gignoux, P., Gyselen, R. (1981). Nouveaux sceaux sasanides de la collection M. I. Mochiri, *Studia Iranica* 10, 199-211.

Gignoux, P. (1980b). Typologie des inscriptions sur sceaux sassanides. In *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, Supplement IV [XX. Deutscher Orientalistentag, Erlangen, 1977]*, 354-359.

Gignoux, P. (1986). *Noms propres sassanides en moyen-perse épigraphique*, (Iranisches Personennamenbuch Band II. Mitteliranische Personennamen. Fasz. II). Wien: ÖAW.

Gignoux, P., Gyselen, R. (1981). Nouveaux sceaux sasanides de la collection M. I. Mochiri. *Studia Iranica* 10, 199-211.

Gignoux, P., Gyselen, R. (1982). *Sceaux sasanides de diverses collections privées*, (Studia Iranica. Cahier 1). Paris: AAEI, Leuven: Peeters Publishers.

- Gignoux, P., Gyselen, R. (1987). *Bulles et sceaux sassanides de diverses collections*, (Studia Iranica. Cahier 4). Paris: AAEI, Leuven: Peeters Publishers.
- Gignoux, P., Jullien, C., Jullien, F. (2009). *Noms propres syriaques d'origine iranienne*, (Iranisches Personennamenbuch Band VII. Iranische Namen in Semitischer Nebenüberlieferungen Fasz. V). Wien: ÖAW.
- Gismondi, H. (1897). Ṣalībā ibn Yūḥannā al-Mawṣilī. Book of Mysteries (Asfār al-asrār). In H. Gismondi (ed.), *Maris, Amri et Slibae De patriarchis nestorianorum commentaria*. Pars altera, Rome: F. de Luigi.
- Gismondi, H. (1899). 'Amr ibn Mattā, *Kitāb al-mağdal*. In H. Gismondi (ed.), *Maris, Amri et Slibae De patriarchis nestorianorum commentaria*. Pars prior, Rome: F. de Luigi.
- Greatrex, G. and Lieu, S.N.C. (2002). *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars (AD 363–630) II. A Narrative Sourcebook*. London: Routledge.
- Guidi, I. (1903). Chronicon anonymum (CSCO 1–2, Script. syr. 1–2). In I. Guidi (ed.), *Chronica minora I*. Louvain: Peeters Publishers.
- Gyselen, R. (1989). *La géographie administrative de l'empire sassanide. Les témoignages sigillographiques*, (Res Orientales 1). Bures-sur-Yvette: Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient.
- Gyselen, R. (1993). *Catalogue des sceaux, camées et bulles sassanides de la Bibliothèque Nationale et du Musée du Louvre. I. Collection générale*. Paris: Bibliothèque Nationale.
- R. Gyselen, (1995). Les sceaux des mages de l'Iran sassanide. R. Gyselen (ed.), In *Au Carrefour des religions: Mélanges offerts à Philippe Gignoux [Res Orientales, VII]*. Bures s/Y: Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient, 121–150.
- Gyselen, R. (ed.) (1997). *Sceaux d'Orient et leur emploi*, (Res Orientales X). Bures-sur-Yvette: Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient.
- Gyselen, R. (2001). *The Four Generals of the Sasanian Empire: Some Sigillographic Evidence*, (Conférence 14). Roma: Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente.
- Gyselen, R. (2002). *Nouveaux matériaux pour la géographie historique de l'empire sassanide: sceaux administratifs de la collection Ahmad Saeedi*, (Studia Iranica. Cahier 24). Paris: AAEI.
- Gyselen, R. (2006). Les témoignages sigillographiques sur la présence chrétienne dans l'empire sassanide. In R. Gyselen (ed.), *Chrétiens en terre d'Iran: implantation et acculturation*, (Studia Iranica. Cahier 33. "Chrétiens en terre d'Iran" 1), Paris: AAEI, 17–78.
- Gyselen, R. (2008). *Great-Commander (vuzurg-framadar) and Court Counsellor (darandarzbed) in the Sasanian Empire (224–651): The Sigillographic Evidence*. Roma: Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente.
- Gyselen, R. (2019). *L'administration territoriale de l'empire sassanide d'après les sources épigraphiques en moyen-perse*, (Res Orientales XXV). Bures-sur-Yvette: Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient.
- Herman, G. (2014). The Last Years of Yazdgird I and the Christians. In G. Herman (ed.), *Jews, Christians and Zoroastrians: Religious Dynamics in a Sasanian Context*, (Judaism in Context 17). Piscataway: Gorgias Press.
- Jackson Bonner, M. R. (2020). *The Last Empire of Iran*. Piscataway: Gorgias Press.
- Jullien C. (2009). Christianiser le pouvoir. Images de rois sassanides dans la tradition syroorientale. *Orientalia christiana periodica* 75(1), 119–131.

- Jullien C. (2021). Conversion to christianity in the Sasanian empire. Political and theological issues. In C. Barbati, V. Berti (eds.), *Iranianate and Syriac Christianity in Late Antiquity and the Early Islamic Period*, (Veröffentlichungen zur Iranistik 87). Wien: Austrian Academy of Sciences Press, 11–32.
- Jullien C. (ed.) (2022). *Discourse, Power Issues and Images. Transversal Studies on the Reigns of Yazdgird I and Wahrām V*, (Late Antique History and Religion). Louvain: Peeters Publishers.
- Jullien C., Jullien F. (2021). *Comme une flèche envolée. Yazdōy-Christina la martyre*. In S. Brelaud, J. Daccache, M. Debié, M. Farina, F. Ruani, É. Villey (eds.), *Le calame et le ciseau. Colophons syriaques offerts à F. Briquel Chatonnet*, (Cahier des Études syriaques 8). Paris: Geuthner, 361–382.
- Jullien F. (2015). *Histoire de Mār Abba, catholicos de l'Orient. Martyres de Mār Grigor, général en chef du roi Khusro I^{er}, et de Mār Yazd-panāh, juge et gouverneur*, (CSCO 658–659, Script. syr. 254–255]. Louvain: Peeters.
- Khanmoradi, A., Ekhtesasi, M., Khonsarinejad, E. (2023). The Good Shepherd Motif on Sasanian Seals. *Persica Antiqua* 3(4), 33–47.
- Klauser, T. (1958). Studien zur Entstehungsgeschichte der christlichen Kunst I. *Jahrbuch für Antike und Christentum* 1, 20–51.
- Labourt, J. (1904). *Le christianisme dans l'empire perse sous la dynastie sassanide (224–632)*, (Bibliothèque de l'enseignement de l'histoire ecclésiastique). Paris: Victor Lecoffre.
- Lerner, J. A. (1977). *Christian Seals of the Sasanian Period*. Nederlands Historisch-Archaeologisch Instituut te Istanbul.
- Lerner, J. A., Skjærvø, P. O. (2006). The Seal of a Eunuch in the Sasanian Court, *Journal of Inner Asian Art and Archaeology* 1, 115–117.
- Marchioni, G. (2018). *Gathering the Shepherds. Uses and Meanings of Pastoral Imagery and Shepherding Metaphors between 3rd and 6th Centuries*. PhD diss., University of Bologna.
- Moriggi, M. (2014). *A Corpus of Syriac Incantation Bowls. Syriac Magical Texts from Late Antique Mesopotamia*, (Magical and Religious Literature of Late Antiquity 3). Leiden: Brill.
- McDonough, S. J. (2008a). A Second Constantine? The Sasanian King Yazdgard in Christian History and Historiography. *Journal of Late Antiquity* 1(1), 127–140.
- McDonough, S. J. (2008b). Bishops or Bureaucrats? Christian Clergy and the State in the Middle Sasanian Period. In D. Kennet, P. Luft (eds.), *Current Research in Sasanian Archaeology, Art and History. Proceedings of a Conference held at Durham University, November 3rd and 4th, 2001*, (Bar International series 1810). Oxford, Archeopress, 87–92.
- McDonough, S. J. (2011). The Legs of the Throne: Kings, Elites and Subjects in Sasanian Iran. In J. P. Arnason, K. A. Raaflaub (eds.), *Chichester The Roman Empire in Context. Historical and Comparative Perspectives. The Ancient World: Comparative Histories*. Malden, MA: Wiley & Sons Ltd, 290–321.
- Murray, R. (1975). *Symbols of Church and Kingdom: A Study in early Syriac Tradition*. New York, London: Cambridge University Press.
- Nau, F. (1918/1919). Histoire d'Abraham de Kaskar et de Babā de Nisibe. *Revue de l'Orient Chrétien* 21, 161–172.
- Patterson, L. E. (2017). Minority religions in the Sasanian Empire: Suppression, integration and relations with Rome. In E. W. Sauer (ed.), *Sasanian Persia: Between Rome and the Steppes of Eurasia*, (Edinburgh Studies in Ancient Persia). Edinburgh: Edinburgh University Press, 181–198.

- Paša, Ž. (2018). Martyrdom of Babowai the Catholicos and Patriarch, and the Confession of the Faith of Baršawma of Nisibis: Critical Edition and Translation. In Ž. Paša (ed.), *Between the Cross and the Crescent: Studies in Honor of Samir Khalil Samir, S.J. on the Occasion of His Eightieth Birthday*, (*Orientalia Christiana Analecta* 304). Rome: Pontificio Istituto Orientale, 499–525.
- Payne, R. (2015). *A State of Mixture. Christians, Zoroastrians, and Iranian Political Culture in Late Antiquity*, (*Transformation of the Classical Heritage* 56). Oakland: University of California Press.
- Ramsey, B. (1983). A note on the disappearance of the Good Shepherd from early Christian. *Harvard Theological Review* 76(3), 375–378.
- Shaked, S. (1977). Jewish and Christian Seals of the Sasanian Period. In M. Rosen–Ayalon (ed.), *Studies in Memory of Gaston Wiet*. Jerusalem: Hebrew University, 17–31.
- Shavarebi, E. (2019). Sasanians, Arsacids, Aramaeans: Ibn al-Kalbī's Account of Ardashīr's Western Campaign. In P.B. Lurje (ed.), *Proceedings of the 8th European Conference of Iranian Studies held in St Petersburg, Russia, 14–19 September 2015, I. Studies on Pre-Islamic Iran and on Historical Linguistics*. Saint-Petersburg: State Hermitage Publishers, 363–378.
- Scher, A., (1911). *Histoire nestorienne inédite* (*Chronique de Séert*), II/1, (*Patrologia Orientalis* 7). Paris: Firmin–Didot.
- Scher, A., (1919). *Histoire nestorienne inédite* (*Chronique de Séert*), II/2, (*Patrologia Orientalis* 13). Paris, Turnhout: Brepols.
- Stroszeck, J. (2004). Divine Protection for Shepherd and Sheep: Apollon, Hermes, Pan and their Christian Counterparts St Mamas, St Themistocles and St. Modestos. In B. Santillo Frizell (ed.), *Pecus: Man and Animal in Antiquity, Proceedings of Conference at the Swedish Institute in Rome, September 9–12, 2002*, (Projects and Seminars 1). Rome: Swedish Institute, 231–240.
- Smith, K. (2014). *The Martyrdom and History of Blessed Simeon bar Sabba'e*, (*Persian Martyr Acts in Syriac. Text and Translation* 3). Piscataway: Gorgias Press.
- Vaschalde, A. A. (1915). *Babai Magni Liber de Unione*, (*CSCO* 80, *Script. syr.* 35). Louvain: Peeters Publishers.
- Westenholz, J. G. (2000). *Images of inspiration: The Old Testament in early Christian art*, Jerusalem: Bible Lands Museum Jerusalem.
- Wilmshurst. D. (2016). *Bar Hebraeus, The Ecclesiastical Chronicle. An English Translation* [*Gorgias Eastern Christian Studies*, 40]. Piscataway, Gorgias Press.
- Young, W. G. (1972). *Patriarch, Shah and Caliph: A Study of the Relationships of the Church of the East with the Sassanid Empire and the Early Caliphates up to 820 AD with Special Reference to Available Translated Syriac Sources, with Handbook of Source-Materials for Students of Church History up to 650 AD*. Ph.D. diss., University of Glasgow.
- Wood, P. (2013). *The Chronicle of Seert. Christian. Historical Imagination in Late Antique Iraq*, (Oxford Early Christian Studies). Oxford: Oxford University Press.